

سنگ اول

علاءالدین



www.ketab.ir

سرشناسه: غلامی، علی، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور: سنگ اول / علی غلامی.
مشخصات نشر: یوشهر: دریاورد، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۳۴ ص: ۵/۱۴×۲۱ س.م.
شابک: ۳-۷۳-۸۰۷۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian poetry -- ۲۰th century
موضوع: شعر سپید -- قرن ۱۴
موضوع: Blank verse -- ۲۰th century
رده بندی کنگره: PIR۸۳۵۵
رده بندی دیویی: ۸۱۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۱۱۰۲۹



سنگ اول

علی غلامی

«صفحه آرای و طرح جلد: مرتضی شمسعلی»

«انتشارات: دریاورد»

«شمارگان: ۵۰۰ نسخه»

«چاپ: اول ۱۳۹۹»

«شابک: ۳-۷۳-۸۰۷۰-۶۰۰-۹۷۸»

«نشانی: بندر گناوه، میدان امام خمینی»

«مجتمع تجاری جمالزاده- واحد ۳۰۲»

«تلفن: ۰۹۱۳۶۸۷۲۷۰۰»

«قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان»

- ۱۴ تشییع خاک
- ۱۵ عهد کھف
- ۱۶ پیام آور مهر
- ۱۷ رقص زمین
- ۱۸ فرشتگان سوگوار
- ۱۹ سایه خورشید
- ۲۰ نگاه آفتاب
- ۲۱ نفس خورشید
- ۲۲ گیسوان یافته
- ۲۳ نسخه آسفتگی
- ۲۴ باد وحشی
- ۲۵ اسب رمیده
- ۲۶ اشتباه کوچک
- ۲۷ تمرین نمایش
- ۲۸ علت پژمرده گی
- ۲۹ غم ابدی
- ۳۰ پناه سقوط
- ۳۱ فلک و ک
- ۳۲ نقاد فروغ
- ۳۳ بوسه شسته
- ۳۴ نافرمان
- ۳۵ خاطر خواهی
- ۳۶ دندان نان
- ۳۷ ماه پیشانی

ایستاده بر گور	۳۸
سایه مماس	۳۹
پرنده آسایش	۴۰
علت و معلول	۴۱
بوسه عاشقانه	۴۲
ری مضحکه	۴۱
جنت ماهیان	۴۴
نای روز	۴۵
تخت جنگ	۴۶
پارچه حایقه	۴۷
گیسوان لال	۴۸
دعا	۴۹
رختخواب سفر	۵۰
گهواره جدایی	۵۱
گاری دستی	۵۲
جای پای تو	۵۳
لذت بازی	۵۴
شیربره	۵۵
زنده به گور	۵۶
تویت نان	۵۷
شعله نگاه	۵۸
شمشیر چوبی	۵۹
کلاه گشاد	۶۰
نعره تاج	۶۱

- ۶۲ قفس دود
- ۶۳ کلید گنجینه
- ۶۴ فریاد ناشنوا
- ۶۵ سکوت
- ۶۶ بیگانه
- ۶۷ آسمان بی سقف
- ۶۸ آسمان خدا
- ۶۹ تنهایی
- ۷۰ تنهاترین
- ۷۱ کافر
- ۷۲ نگارگر واژه ها
- ۷۳ معنی جدایی
- ۷۴ گل خوشبو
- ۷۵ کاغذهای باطله
- ۷۶ اندیشه مجرم
- ۷۷ پدر سالار
- ۷۸ شمع خدا
- ۷۹ مردگن خانه اش
- ۸۰ رباب اندر
- ۸۱ فریاد شنیده
- ۸۲ جام شراب
- ۸۳ لانه کلاغ
- ۸۴ پنهان دیدار
- ۸۵ شراب جدایی

تقسیم اندیشه	۸۶
رهایی	۸۷
استادبیکار	۸۸
فکر طلاق	۸۹
جانه جوانی	
سزارین شعور	۹۱
کم سو	۹۲
خرفه نرفته	۹۳
دست نشتنی	۹۴
آه و ناله	۹۵
حرف جنس	۹۶
خاک عالم	۹۷
حس ششم	۹۸
از کستر فشار	۹۹
بهترین	۱۰۰
کفن پیچ	۱۰۱
ماسک ماه	۱۰۲
مادر زن	۱۰۳
پناهگاه	۱۰۴
خون آرش	۱۰۵
شباهت	۱۰۶
درد دندان	۱۰۷
فریب واژه ها	۱۰۸
روایه های کهنه	۱۰۹

- ۱۱۰ شکل زمین
 ۱۱۱ سقوط
 ۱۱۲ معنی رقص
 ۱۱۳ معلق در هوا
 ۱۱۴ جلیقه نجات
 ۱۱۵ تابلوی تهوع
 ۱۱۶ بیکاری
 ۱۱۷ راه بسته
 ۱۱۸ جاده بی خطر
 ۱۱۹ گناه اندیشه
 ۱۲۰ مرگ ابدی
 ۱۲۱ چرخه نور
 ۱۲۲ عاقبت
 ۱۲۳ چرت بهاری
 ۱۲۴ ششنامه های بی سوار
 ۱۲۵ شاخه نهال
 ۱۲۶ زخم سکوت
 ۱۲۷ ناآشنا
 ۱۲۸ از یاد رفته
 ۱۲۹ نام
 ۱۳۰ ترافیک معنوی
 ۱۳۱ بانوی آب
 ۱۳۱ قایق ابر

کوتاه سخن

نزدیک به چهل پنجاه سال است که شعر می‌خوانم و می‌گویم و می‌نویسم، از دوران نوجوانی و تحصیل در دبیرستان، نخستین آشنایی ام با دوبیتی‌های فایز بود. پدرم اهل دشتی بود و بعد از گرفتن بیست‌سگی پیش از موعد از شرکت نفت آبادان (سالی دوماه) ما را به نادگاه خود برد، سال هزار و سیصد و چهل و چهار که چهارده ساله بودم. غریت و دوری از محل تولد و سختی تغییر مکان و فقر و قحطی و خشکسالی و روحیه‌ای بسیار شکننده باعث شده بود که شعرهای محل می‌آمی آن مناطق را به سرعت یاد بگیرم و زمزمه کنم، پدرم تشویق من کرد که فایز را با آواز بخوانم، و شعرهایی به نام (المان) را که یکی در خوانش این شعرها دنیا و احساس و روحیه انسان را نشان می‌دهد خود را جستجو می‌کردم، شادمان می‌شدم، و در اوقات تنهایی در دشت و به ناز این اشعار را می‌خواندم. بعد از این که ازدشتی به ر. کوچ بردیم در سال چهل پنج، با شاعری که از جنوب (آبادان) به اهواز می‌رفت (بندر دیر) تبعید شده بود آشنا شدم. شاعری که ابیاتی را یادم داد. ادبیات فقر و تنگدستی و مهربانی، شعرهایی که از من می‌خواند و از سختی‌هایی که بر او رفته بود می‌گفت و می‌نوشت. مقصودم از این

ادامه تحصیل به دبیرستان رفتم، با معلمانی آشنا شدم که در ادبیات مقاومت و ایستادگی نمونه بودند، و از آن‌ها نیز بسیار آموختم. به سمت تئاتر و جلسات شعرخوانی کشیده شدم، و با شخصیت‌های ادبی و شعری چون مهدی اخوان ثالث آشنا شدم. شعر زمستان این شاعر در آن دوران در من تأثیر بسیار زیادی ایجاد کرد. قطعه‌های ادبی کوتاه می‌نوشتم و خاطره‌نویسی و در این زمینه می‌کردم بعد از تحصیل در دانشسرای مقدماتی و رفتن.

دیپلم ادبی، برای ادامه تحصیل در رشته تئاتر عازم تهران شدم که مصادف شد با سال‌های انقلاب اسلامی، دوران تحصیل در تهران افتخار آشنایی و استفاده از محضر استادان چون زنده‌یاد اکبر رادی و پرویز تائیدی شامل حال من شد و به سمت نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی تئاتر کشیده شدم. در همان سال مجموعه‌های داستان با نام «فاصله‌ها» به یاری و راهنمایی استاد زنده‌یاد اکبر رادی در انتشارات پیگرد آماده چاپ کردم، که به دلیل انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی نتیجه مطلوب نگرفتم. بابت این سال‌ها شعر جزئی از وجود من بود و اگر سرنوشت هنری‌ام را به دست و سویی دیگر سوق می‌داد، شعر همواره همراهم بود و مراد خوش خویش دعوت می‌کرد، پس از پایان تحصیلات و بازگشت به

بوشهر علیرغم ادامه نمایشنامه نویسی و کار تئاتر و سینما، در سال
 های شصت و هفتاد و سه، بعد از آشنایی با زنده یاد استاد محمدرضا
 نعمتی زاده، شعر در لباسی نو به سراغم آمد، و تا زمانی استاد زنده
 بود از محضر ایشان مشق شعر می گرفتم و شاگردی می کردم، شرکت
 در جلسات شب های شعر استان مرا با شاعران جوان و پیش از استان
 آشنا کرد، از سال شصت و چهار تا قبل از بازگشت به آبادان بیشترین
 فعالیت هنری من تئاتر و سینما و تلویزیون شده بود و این روند،
 تا دهه هشتاد ادامه داشت. از سال هشتاد بعد از بازنشستگی
 در آموزش و پرورش، در کنار نمایشنامه نویسی و چاپ بیش از پانزده
 جلد از نمایشنامه های من و کار تئاتر و سینما مجدداً به سمت
 داستان نویسی و شعر روی آمدم و البته توجه ام به شعر بیشتر گردید.
 قبلاً مجموعه های من کوتاه دیگری به نام «زردچوبه به
 رنگ مرگ» را به چاپ رساندم و در حال حاضر چند مجموعه
 شعرنیمایی و سپید و کوتاه آماده، برای چاپ دارم که «سنگ
 اول» نخستین مجموعه از آن است. امیدوارم که بتوانم همه
 آن ها را به چاپ برسانم. شعر جزئی از من است، در شعر گرم
 شده ام و معتقدم تا یافتن خویش اصلی آن طریقه را پیش بینی
 می کرد و می خواست، باید آن را با آواز بلند رزمه زنی